

دکتر علی پیرانی شال<sup>۱</sup> (دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

دکتر صغری فلاحتی<sup>۲</sup> (دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

معصومه ربیعی<sup>۳</sup> (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

## «انسجام پیوندی» و جلوه‌های زیبایی آن در مقامه ساویه «حریری»

### بر اساس نظریه هالیدی و رقیه حسن

#### چکیده

«هالیدی و رقیه حسن» در سال ۱۹۷۶ نظریه انسجام متنی را مطرح کردند. آن‌ها انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که از طریق نشانه‌های انسجامی (عناصر دستوری، واژگانی و پیوندی) میان اجزاء متن، ارتباط معنایی ایجاد می‌کند و ادات پیوندی یا ربط به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انسجامی که عبارت است از: «وجود ارتباط معنایی و منطقی بین جمله‌های یک متن»، نقشی به‌مراتب مهم‌تر از عناصر واژگانی و دستوری دارد؛ چون این ارتباط بر پایه منطق استوار است و خواننده باید رابطه منطقی بین مطالب را تحلیل نماید تا پیوستگی معنایی و ارتباط بین جملات را دریافت کند. مقامات یکی از فنون نثر داستانی به شمار می‌آید که عده‌ای از جمله زکی مبارک معتقدند، مقامات به خاطر هنرنمایی ادبی نویسنده از انسجام لازم برخوردار نیست. در این مقاله تلاش شده است تا با روش توصیفی-تحلیلی یکی از عوامل انسجامی یعنی، انسجام پیوندی با زیر شاخه‌های اضافی، سببی، تقابلی و زمانی مورد بررسی قرار گیرد و تعیین نماید کدام یک از این زیرشاخه‌ها بیشترین بسامد را در مقامات حریری دارد. علاوه بر آن، تسلط نویسنده در بهره‌گیری از توانایی‌های زبان و ایجاد نثری آهنگین چه تأثیری در زیبایی انسجام پیوندی متن گذاشته است؟ از جمله نتایج مهم تحقیق این است که بسامد بالای ارتباط پیوندی به‌ویژه اضافی و سببی در سراسر داستان مشهود است و رابطه زمانی بعد از رابطه اضافی مانند زنجیره‌ای، رویدادهای داستان را که اشاره به مرگ و جدایی دارد به هم متصل می‌کند، کارکرد ادوات پیوندی، علاوه بر جنبه زیباشناختی، انسجام‌بخشی معنایی در مقامه است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۹

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی متن، هالیدی و رقیه حسن، مقامه ساویه حریری، انسجام پیوندی، جلوه‌های زیبایی مقامه.

#### ۱. مقدمه

مقامه یکی از انواع متون ادبی است که در دوره‌هایی از ادب عربی از جایگاه و فراگیری گسترده‌ای برخوردار بوده است و مقامه‌نویسان معروفی نیز از قبیل بدیع‌الزمان همدانی (۳۵۸-۳۹۸ ه.ق)، حریری... و در عصر معاصر، ناصیف یازجی (۱۸۷۱ م-۱۸۰۰ م) به این کار همت گماشتند. اما این‌که مقامات دارای چه سطحی از انسجام است از سوی برخی از منتقدین مورد بحث و جدل است. از جمله، ناقدانی چون زکی مبارک معتقدند: «تمرکز بر یک شخصیت و کثرت اوصاف و فکاهه‌گویی از نشانه‌های ضعف و عدم انسجام در مقامات است.» (مبارک، ۱۹۹۰ م: ۲۰۶) ولی نمی‌توان فرض کرد نویسنده‌ای چون حریری - خلاق هنر بدیع - بخش‌های مختلف متن را بدون در نظر گرفتن هیچ منطق و هدفی در کنار یکدیگر قرار داده باشد تا مهارت لغوی خود را نشان دهد.

برخی از جمله گوت وینسکی معتقدند: «متون ممکن است دارای انسجام ضعیف‌تر و یا قوی‌تر باشند اما هیچ متنی بدون انسجام نیست.» (گوت وینسکی، ۱۹۷۸ م: ۳۳؛ نقل از سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰ ش: ۵۵) انسجام که عامل اصلی در شکل‌گیری متن است از نظر هالیدی و رقیه حسن عبارت است از:

«ابزارهای زبان‌شناختی گوناگون اعم از دستوری، واژگانی و معنایی که باعث پیوند جمله‌ها با یکدیگر می‌شوند و در قالب واحدهای بزرگ‌تر چون بند به هم متصل می‌شوند برای این اصطلاح عناوینی چون اتصال بین جمله‌ای یا مطابقه و ابزار اتصالی نیز به کار برده می‌شود.» (هالیدی، ۱۹۷۶ م: ۴؛ نقل از آقاگل زاده، ۱۳۹۴: ۹)

این مقاله در صدد آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس نظریه هالیدی و رقیه حسن انسجام پیوندی یا ربطی را که یکی از پنج عنصر انسجامی ارجاع<sup>۱</sup>، جایگزینی<sup>۲</sup>، حذف<sup>۳</sup>، واژگانی<sup>۴</sup> و پیوندی<sup>۵</sup> است، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد؛ تا در ورای آن به این دو پرسش پاسخ دهد:

۱- هریک از عوامل ربطی یا پیوندی به لحاظ معناهای ویژه‌ای که دارند چه نقشی در انسجام متنی و زیباشناختی مقامه ایفا می‌کنند؟

۲- هریک از عوامل ربطی با زیر شاخه‌های اضافی<sup>۶</sup>، سببی<sup>۷</sup>، تقابلی<sup>۸</sup> و زمانی<sup>۹</sup> در مقامه ساویه از چه بسامدی برخوردارند؟

برای پرسش‌های بالا، فرضیه‌های زیر در نظر گرفته می‌شود:

۱- عوامل ربطی به لحاظ ایجاد ارتباط منطقی بین مطالب به‌عنوان مهم‌ترین عامل انسجام معنایی و صوری در مقامه محسوب می‌شوند.

۲- عوامل اضافی و زمانی بیشترین بسامد را در مقامه دارند.

## ۲. پیشینه تحقیق

از آنجاکه در این تحقیق "انسجام پیوندی در مقامات حریری" مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت؛ لذا پیشینه تحقیق مبنی بر پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه مقامات و انسجام می‌باشد. قابل ذکر است که در حوزه انسجام و مقامات پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است و بسیاری از ادبا همچون شوقی ضیف به نقد و بررسی مقامات پرداخته و برخی چون «شریسی» به شرح و تعلیق مقامات حریری همت گماشته‌اند و در زمینه مقاله و پایان‌نامه نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. از جمله:

- نصرالله شاملی و زهرا قاسم نژاد (۱۳۸۹ ش) در مقاله "اقتباسات قرآنی در مقامات حریری" به بررسی آیات به کار رفته در مقامات پرداخته‌اند تا ارزشمند بودن این اثر ادبی را به اثبات برسانند.

- احمدحسین خیال (۱۴۳۳ ق) در پایان‌نامه ارشد با عنوان "السبک النصی فی القرآن الکریم دراسة تطبیقیة فی سورة الأنعام" بعد از توضیح مقدمات زبانشناسی، انسجام سوره انعام را در دو حوزه دستوری با مباحث (ارجاع، حذف، عطف و شرط) و انسجام واژگانی با مباحث (تکرار و هم‌آیی) مورد بررسی قرار دادند و آمار و ارقامی از این عناصر ذکر نمودند.

- علیرضا نظری (۱۳۹۲ ش) در مقاله "کارکرد ادات ربطی در انسجام‌بخشی خطبه‌های نهج‌البلاغه" با بررسی آماری ادوات پیوندی و تطابق آن با مباحث بلاغی از جمله فصل و وصل

به این نتایج دست یافتند که متن نهج البلاغه یک متن افزایشی است و از نظر فصل و وصل بر وصل جملات از نوع ارتباط با (واو) متکی است.

-سید مهدی مسبوق و شهرام دلشاد (۱۳۹۵ ش) در مقاله "تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در مقامه مضیریه بدیع الزمان همدانی" به بررسی مجموعه عوامل انسجام از قبیل دستوری، واژگانی و پیوندی به همراه سایر ویژگی‌های هماهنگی انسجامی مانند: زنجیره‌ها و تعامل بین زنجیره‌ها پرداخته‌اند تا انسجام مقامه مضیریه را اثبات نمایند.

بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه انسجام متنی، معطوف به قرآن و نهج البلاغه است و پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مقامات حریری نیز این اثر را از زوایای دیگری بررسی کرده‌اند و تاکنون به پژوهشی که جامع "انسجام" و "زیباشناختی" در "مقامات حریری" باشد توجهی نشده است. امید است پژوهش حاضر که مبتنی بر تحلیل عناصر انسجام متنی و تأثیرگذاری آن بر زیباشناختی متن است بتواند به‌عنوان اولین تحقیق جامع و مستقل در این خصوص راهگشای سایر تحقیقات مشابه باشد.

### ۳. حریری و مقامه ساویه

در دوره عباسی شاهد نوعی ادبیات هستیم که حکایت‌های کوتاهی را بیان می‌کند و هدف از آن علاوه بر جنبه زیباشناختی، بیانگر نوعی پند و اندرز می‌باشد، به این گونه ادبی که برخاسته از اوضاع اجتماعی و سیاسی آن دوران است، مقامه گفته می‌شود. «به‌طور کلی منظور از مقامات در ادبیات، داستان یا حکایتی کوتاه است که بر گدایی پی‌ریزی شده است و سه عنصر آن عبارت‌اند از: راوی و قهرمان قصه و گره که داستان مقامه با آن شکل می‌گیرد و در آرایه‌های لفظی و معنوی آن اغراق شده است» (فرّوخ، ۱۴۰۱ ق: ۴۱۲).

"ابوالقاسم بن علی حریری" از مقامه نویسان این دوره است که در سال ۴۴۶ در قریه مشان نزدیک بصره متولد شد و در سال ۵۱۶ وفات نمود (الحموی، ۱۹۹۳ م: ۲۲۰۲). شاهکار حریری مقامات اوست که از مهم‌ترین آثار منثور عربی است او با هنرپردازی و امتزاج عناصر هنری باعث رواج فن مقامه‌نویسی به‌عنوان یک گونه جدید ادبی در فصاحت و بلاغت شد تا آنجا که ابن خلکان درباره حریری می‌گوید: «او از پیشوایان روزگار خویش بود که در کار مقامه نویسی تبخّر تمام داشت مقامات او شامل مقدار زیادی از کلام عرب، لغت و ضرب المثل و معمای

اسرار سخن است. هرکس او را به خوبی شناخته باشد بر فضل و گستردگی دانش او گواهی می دهد.» (ابن خلکان، ۱۹۷۸ م: ۶۳/۴).

قهرمان مقامات حریری، ابوزید سروجی و راوی آن حارث بن همام (که مقصود خود اوست) می باشد و شامل پنجاه مقامه به سبک مقامات بدیع الزمان همدانی است با این تفاوت که گرایش حریری به سجع و اغراق در تکلف لفظی و معنوی بیشتر بوده است. «عده ای از ناقدین و در رأس آن ها ابن طقطقی معتقد هستند که مقامات چون بر گدایی و حيله های زشت بنا شده همت آدمی را کوچک و پست می گرداند.» (ضیف، ۱۹۶۰ م: ۲۹۸) ولی بدون تردید حریری در ورای آن نابسامانی و مشکلات اقتصادی عصر خود را به تصویر کشیده است و این مسئله کاملاً با دیدگاه هالیدی که نظریه جامعه شناسی زبان را مطرح می کند و معتقد است نظام زبان، دستاورد جامعه و متناسب با نیازهای جامعه و انسان می باشد، منطبق است؛ بنابراین با تحلیل متن می توان از دیدگاه نویسنده و بازتاب مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و حتی از ارزش های حاکم بر نحوه نگارش مطلع شد. چون زندگی حریری با دوره چهارم عباسی (۶۵۶ ق-۴۷۷ ق) که دوران نفوذ سلجوقیان و روی کار آمدن ترکان است مصادف بود. این دوره با اضطراب سیاسی و جنگ ها پر شده بود و اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردم در فشار و ناامنی خلاصه می شد، اموال مردم به غارت می رفت و دین وسیله ای برای سودجویی بود. هرچند بازار نویسندگی و شاعری رواج داشت ولی بیشتر به تقلید و تکلف گرایش داشت، به همین علت به دوران چیرگی و سیادت سجع شناخته شده است. حریری نیز در مقامات خود از کثرت آرایه های لفظی و معنوی غافل نبوده، بنابراین او با مزدوج ساختن جملات بر موسیقی خاص و ایجاد نثری شعرگونه و استفاده از اشعاری مسمط<sup>۱</sup>

در لابلای نثر، در مقامه ساویه دست به خلق آثاری موزون زده است که علاوه بر انسجام، بر زیبایی متن نیز افزوده است.

داستان مقامه ساویه که یازدهمین مقامه است در قبرستان ساوه (که اسم مقامه از آن اتخاذ شده) اتفاق می افتد و دربرگیرنده

۱. مسمط: یعنی نویسنده بیتش را به چهار قسمت کند که سه تای آن بر یک سجع و برخلاف قافیه بیت است.

نکات اخلاقی، عبرت و نصیحت است. قهرمان مقامه بر جنازه مرده‌ای که اطرافیان‌ش مشغول به خاکسپاری او بودند، وارد شده و به ملامت تشیع کنندگانی می‌پردازد که به ظاهر گریه می‌کردند و خود را غمگین نشان می‌دادند در حالی که غمی در دلشان نبود بلکه در دل می‌خندیدند و در فکر اموال میت بودند و گمان می‌کردند مرگ هرگز به سراغشان نمی‌آید. قهرمان داستان بعد از سخنان تکان دهنده که گاه با آیات قرآن و احادیث و گاه با آرایه‌های بلاغی، تشبیه، کنایه و استعاره مزین شده‌اند، حقایق تلخی را متذکر می‌شود که آنان را به تفکر وامی‌دارد و در ادامه کیسه‌اش را از عطایای مردم پر می‌کند و مکان را ترک می‌نماید. شوقی ضیف معتقد است «به جز مقامه دمشقیه و ساویه که دارای صفات و اخلاق پسندیده است در بقیه مقامات این موضوع به صورت کم‌رنگ دیده می‌شود و قصدحریری به آرایش و آراستن نوشته‌هایش معطوف بوده است» (ضیف، ۱۹۶۰ م: ۲۹۹) که علت آن را می‌توان تکلف و آرایش‌های لفظی حاکم بر آثار نویسندگان دانست.

#### ۴. مبانی نظری انسجام متنی

بنیان‌گذاران نظریه انسجام متنی "هالیدی و حسن" در مطالعات خود در سال ۱۹۷۶ م به متن و روابط بین جمله‌ها پرداخته و روابط موجود در بین آن‌ها را انسجام متن نامیده‌اند. از منظر این دوزبان‌شناس «انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به منزله متن از غیر متن مشخص می‌کند.» (هالیدی، ۱۹۷۶ م: ۴ نقل از آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴ ش: ۱۰۶) بنابراین اولین شرط انسجام، آن است که متن را از غیر متن متمایز سازد یعنی، متنی که بتواند معنای خاصی را منتقل کند متمایز با متنی است که ارتباطی بین اجزای آن وجود ندارد و معنایی را منتقل نمی‌کند. آنان پنج عامل زیر را به‌عنوان ابزارهای آفریننده انسجام متن تعیین نمودند.

ارجاع: برقراری رابطه میان یکی از عناصر متن با عنصر دیگری در آن متن.

جای‌گزینی: قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای یک عنصر زبانی دیگر در متن.

حذف: ذکر نکردن یکی از عناصر متن به خاطر وجود قرینه.

واژگانی: ارتباطی ذاتی بین واحدهای واژگانی به لحاظ محتوای معنایی بین آن‌ها.

پیوندی: ارتباط معنایی بین جمله ها و عبارات به وسیله ادوات ربطی. گرچه این نظریه نخستین بار برای تحلیل متون انگلیسی به کار رفت ولی می تواند با الگوها و عواملی متفاوت قابل تعمیم در زبان های دیگر باشد. ناقدین عرب اصطلاح اللتحام (تمام حسان) و انسجام (خطابی) و التشاکل (محمد مفتاح) والحبک (سعد مصلوح) را معادل اصطلاح<sup>۱</sup> در انگلیسی می دانند و با دخل و تصرفی که در آن نمودند سعی بر بومی سازی این نظریه با زبان خود نمودند و به نوعی انسجام را با نحو و بلاغت مانند سجع و جناس، وصل و فصل و غیره... مرتبط ساختند.

می توان ادعا کرد، یکی از مهم ترین ابزارهای انسجام که نقش بارزی در متون و حتی در زبان روزمره ایفا می کند، انسجام پیوندی می باشد تا آنجا که تصور متنی بدون حضور ادوات ربطی غیر ممکن به نظر می رسد؛ زیرا وقتی مجموعه ای از جمله ها، پشت هم در متن شکل می گیرند وجود رابطه ای بین آنها ضروری است تا متن منسجم شود. «در واقع حروف ربط نشانگرهایی هستند که بین عبارات و مفاهیم متن ارتباط معنایی ایجاد می کنند و به این ترتیب در ایجاد بازنمایی ذهنی از متن کمک می کنند.» (سیگال و همکاران، ۱۹۹۱ م؛ نقل از نجفی، ۳۰۶ بی تا) در این پژوهش به انواع و اهمیت این عامل انسجام در مقامه ساویه پرداخته می شود.

##### ۵. انسجام پیوندی و عوامل آن در مقامه ساویه

در انسجام گاهی به جای عوامل پیوندی یا ادوات ربط از واژه "انتقال" و گاهی از واژه "ادوات منطقی" استفاده می شود چنانچه شبلی محمد از واژه انتقال (شبلی محمد، ۲۰۰۹ م: ۱۱۰) و الزناد به دلیل نقش این ابزارهای اتصال، در مشخص کردن نوع ارتباط بین جمله ها (سببی، تقابلی...)، و ساختار منطقی متن، از واژه "ادوات منطقی" استفاده کرده اند. (الزناد، ۱۹۹۳ م: ۳۷) بنابراین عوامل ربطی به عنوان یکی از پنج عنصر انسجام متنی عبارت است از: وجود ارتباط معنایی بین جمله های یک متن که از نظر هالیدی و رقیه حسن به چهار نوع اضافی، سببی، تقابلی و زمانی تقسیم می شود و در زبان عربی این عناصر پیونددهنده عبارت است از: واو، فاء، ثم، کذلک، او، أم، لکن، فی نفس الوقت، و... «البته گاهی روابط دلالتی بین جمله ها صریح و

آشکار است و گاهی ضمنی یعنی ارتباط بین جمله‌ها وجود دارد ولی آشکارا به آن اشاره نشده است.» (شبل محمد، ۲۰۰۹ م: ۱۱۰)

### ۵. ۱. اضافی یا افزایشی

این ارتباط معنایی زمانی در متن برقرار می‌شود که جمله‌ای درباره محتوای جمله پیشین مطلبی اضافه کند. در عربی ادواتی مانند: «و أم، أو» و تعبیراتی مانند: «بالمثل، أعنی، كذلك، فضلاً عن ذلك، مثلاً، نحو...» نشانگر این نوع پیوند می‌باشند و دکتر تمام احسان اصطلاح «الربط الجمعی» را بر آن نهاده است تا با اصطلاح اضافه و تخییر که ادات آن (أو، أم) در عربی می‌باشد اشتباه نشود. (مکتبه المجمع، ۲۰۰۶ م: ۲۳)

«حروف ربط نه تنها در درون یک جمله واحد، بلکه ما بین جملات مستقل نیز به کار می‌روند یکی از مهم‌ترین حروف ربط در زبان فارسی «و» است. عنصر زبانی که بعد از «و» می‌آید به قبل از آن اختصاص دارد و این کارکرد، نقش اصلی حرف ربط «و» می‌باشد.» (البرزی، ۱۳۹۲ ش: ۱۶۸)

البته حرف «و» از حروف ربط اصلی و مهم در هر زبانی است و زبان عربی نیز از آن مستثنی نیست و کارکرد «و» در مقامات با توجه به بسامد جمله‌های کوتاه و موجز، به ندرت در سطح یک جمله مشاهده می‌شود و بیشتر در جمله‌های مستقل و ساختار متن به کار می‌رود. از مجموع نود و هشت حرف ربط «واو» به جز دو مورد که برای حالیه به کار رفته است، هجده مورد آن دارای کاربرد نحوی در سطح جمله است یعنی جمع دو یا چند چیز در یک حکم و اشتراک در اعراب، مانند: «وَأَعْرَضْتُمْ عَنْ تَعْدِيدِ النَّوَادِبِ، إِلَى إِعْدَادِ الْمَادِبِ، وَعَنْ تَحْرِقِ الثَّوَاكِلِ، إِلَى التَّائِقِ فِي الْمَأْكَلِ» (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۵) و هفتاد و هشت مورد کارکرد آن در بین جمله‌های مستقل و در سطح متن است که از آن جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

### الف: تکرار محتوا

یعنی اشتراک معنی جمله‌ها و به عبارتی آوردن چندین جمله متوالی که در پی اثبات و توصیف یک مفهوم هستند. «وَقَدْ لَفَعَ وَجْهَهُ بَرْدَانَهُ، وَنَكَرَ شَخْصَهُ لِدَهَائِهِ» (همان: ۱۰۴). مفهوم هر دو عبارت این است که او نمی‌خواست هویتش مشخص شود و دلالت بر ناشناس بودن آن شخص می‌کند عامل پیوندی یعنی (واو) به عنوان مرکز ثقل دو کفه ترازو، باعث توازن نحوی

یعنی تکرار ساختار ترکیبی و زنجیره‌های متشابه با واژگانی متفاوت شده است. لَفْع/نَكْر (فعل)، وجهه/شخصه (مفعول به همراه ضمیر)، بردائه/لدهائه (جارو مجرور به همراه ضمیر) این عمل علاوه بر انسجام متن عهده‌دار وظیفه صوتی و آوایی مهمی است که آن را به شعر نزدیک می‌کند.

#### ب: اشتراک در ضمیر

آوردن جمله‌های پی‌درپی که از لحاظ ساختاری مستقل هستند اما اشتراک در ضمیر آنان را به هم متصل کرده است به طوری که هم موجب انسجام معنایی و هم سبب موزون بودن عبارت و پیوستگی متن شده است مانند: «يُشِيعُ أَحَدُكُمْ نَعَشَ الْمَيْتِ، وَقَلْبُهُ تَلَقَاءَ الْبَيْتِ، وَيَشْهَدُ مُوَارَاةَ نَسِيْبِهِ، وَفِكْرُهُ فِي اسْتِخْلَاصِ نَصِيْبِهِ، وَيُخْلِي بَيْنَ وَدُودِهِ وَدَوْدِهِ»<sup>۱۰</sup> (همان، ۱۰۵) (ودوده-ودوده) وجود ضمائر و حرف عطف، سبب ایجاد جناس تام و آرایش سخن شده است به عبارتی دیگر؛ شباهت لفظی و اختلاف معنایی، دوشادوش یکدیگر موسیقی دلنشینی را به آن بخشیده است.

#### ج: اغراض بلاغی، مثل خروج استفهام از معنای حقیقی برای اهدافی دیگر

حریری در این عبارت‌ها «ما لكم لايحزنكم دفن الأتراب، ولا يهوكم هيل الأتراب / ولا تعبأون بنازل الأحداث، ولا تستعدون لنزول الأحداث / ولا تستعبرون لعين تدمع، ولا تعبرون بنعي يسمع / ولا تراعون لألف / يفقد، ولا لتاعون لمناحه تعقد»<sup>۱۱</sup> (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۴)

از استفهام برای تعجب یا تحسر یا تنبیه بر خطا، جهت تأثیرگذاری بیشتر کلام بهره گرفته است. ارتباط معنایی عبارت‌ها، هشدار برای عبرت گرفتن مخاطب از مرگ دیگران است؛ به عنوان مثال «أتراب» یعنی همتایان، همسالان. هنگامی که انسان مرگ کسی را ببیند که هم‌تا یا هم سن اوست این حزن اثرگذارتر خواهد بود. از طرفی، استفاده از ضمیر مخاطب (کم) قبل از فاعل، حضور جدی شنونده را می‌طلبد تا نویسنده این تأثیرگذاری را به حد اعلا برساند. همچنین توازن نحوی که جلوه‌های آن در نثر بر اساس مزدوج ساختن جملات استوار است،

در دو عبارت اول شامل «فعل نفی / ضمیر مفعولی / فاعل» و در دو عبارت بعد شامل «فعل نفی / ضمیر فاعلی / جارو مجرور» و تکرار این روند، سبب وحدت آوایی و جنبه موسیقایی عبارت‌ها و انسجام و یکپارچگی متن شده است.

پیوند اضافی یا افزایشی، ممکن است جنبه‌هایی چون توضیحی (أعنی...)، تشبیهی (مثل هذا...، تمثیلی (مثلاً...) و مقایسه‌ای (بالمقابل...) و تخصیصی (خاصه...) داشته باشد (شبل محمد، ۲۰۰۹ م: ۱۱۱)، که کاربرد آنان با توجه به نوع ارتباط بین جمله‌های متن و براساس نیاز بلاغی جمله که مدنظر نویسنده است، در نظر گرفته می‌شود تا وجود انسجام پیوندی را آشکارتر سازند به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

#### ۵. ۱. ۱. رابطه توضیحی

هدف از آن گسترش محتوا برای مصون ماندن از خطا است. «وَأَحْسِنُوا النَّظَرَ أَيُّهَا الْمُتَبَصِّرُونَ» (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۴) متبصر یعنی کسی که ناظر بر چیزی به منظور فهمیدن باشد، گاهی به مقصد می‌رسد و گاهی به خطا می‌رود به همین جهت گفته شده «أَحْسِنُوا النَّظَرَ» یعنی نیکو بنگرید تا خطا نکنید و این عبارت برای توضیح متبصرون آمده است.

#### ۵. ۱. ۲. رابطه تشبیهی

هدف از آن تقریب مطالب به ذهن خواننده است تا معانی نهفته و دور را نزدیک نماید. «وَزَوَّدَ نَفْسَكَ الْخَيْرِ، وَدَعَا مَا يُعَقِّبُ الضَّيْرَ، وَهَيَّئِ مَرْكَبَ السَّيْرِ، وَخَفِّ مِنْ لُجَّةِ الْيَمِّ» (همان: ۱۱۰) مرکب رفتن را آماده کن. «مرکب» در اینجا، یعنی کشتی رفتن را آماده کن و در ادامه بیان می‌کند، از قعر دریا بترس. در این عبارات، «میت به مسافری تشبیه شده است و به خاطر هراس‌های زیادی که می‌بیند دریا را برای او مثال آورده. و از او می‌خواهد که برای آن آماده شود و توشه‌ای بردارد.» (الشربشی، ۱۴۱۳ ق: ۲۸/۲)

#### ۵. ۱. ۳. رابطه تمثیلی و کنایه‌ای

هدف از آن تفکر مخاطب برای کشف حقایق است. «...أَوْتَحَقَّقْتُمْ مُسَالِمَةَ هَادِمِ اللَّذَاتِ» (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۶) «هادِمِ اللَّذَاتِ» کنایه از مرگ است که با آن لذت‌ها و خوشی‌ها به اتمام می‌رسد تا نشان دهد حوادثی که پیش روست به مراتب سخت‌تر خواهد بود.

## ۵. ۱. ۴. رابطه مقایسه‌ای

هدف از آن برجسته نمودن بعضی ویژگی‌ها است. «بَذَا أَوْصِيْتُ يَا صَاحِبَ، وَقَدْ بُحْتُ كَمَنْ بَاحٍ، فَطُوبَى لِفَتَى رَاحٍ، بَادَابِي يَا تَمَّ» (همان: ۱۱۰) طُوبَى مؤنث اطمینان است و قصد نویسنده این است که با مقایسه بگوید، خوشا به حال کسی که از این سفارش‌ها پیروی کند و جمله نانوخته آن این است که هرکس به آن عمل نکند سعادت از او روی گردان خواهد بود. از طرفی «ذا» که اشاره به مطالب گفته شده در عبارتهای قبلی دارد، گستره وسیعی از جمله‌های متن را به هم گره می‌زند و سبب ایجاد شبکه معنایی می‌شود، استاد البرزی، چنین رخدادی را اتصال صریح متن یا اتصال فرا ارتباطی می‌نامد که در آن پدید آورنده متن، به متن خودش رجوع می‌کند. (البرزی، ۱۳۹۲ ش: ۱۶۶)

جدول ۱. تعداد ادات پیوند اضافی یا افزایشی

و	ف	او	كأَنَّ	ك	مثل
۹۶	۷	۴	۳	۱	۲

مقامه چون متنی است که به شرح وقایع همراه با توصیف آن می‌پردازد این عامل یعنی ادات اضافی نقش مهمی در ایجاد و پیوستگی متن دارد و بیشترین کارکرد ادات اضافی متعلق به حرف ربط (واو) است که در جمله‌های مستقل و در سطح متن ایفای نقش نموده و باعث انسجام متن شده است.

## ۵. ۲. ارتباط سببی

هنگامی این رابطه معنایی میان جمله‌ها برقرار می‌شود که رویداد فعل جمله ارتباط سببی با رویداد جمله دیگر داشته باشد «این ارتباط سببی شامل: روابط علت، نتیجه، هدف، و شرط می‌شود.» (شبل محمد، ۲۰۰۹ م: ۱۱۲) به عبارتی؛ حاکی از وجود ارتباط منطقی بین جملات است. «نمادهای این ارتباط در عربی (لذا، لأن، حتی، ل، من أجل، ...) است. بعضی از پژوهشگران آن را (اتباع) و بعضی (التفریع) می‌نامند.» (مکتبه المجمع، ۲۰۰۶ م: ۲۳)

## ۵. ۲. ۱. رابطه علی

گاه جمله دوم علت جمله اول را می‌رساند مانند: «وَحَفْضٍ مِنْ تَرَايِكٍ، فَإِنَّ الْمَوْتَ لَأَيِّكٍ، وَ سَارٍ فِي تَرَايِكٍ، وَمَا يَنْكُلُ إِنْ هَمَّ» (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۹) حرف ربط (فاء) در عبارت «فانّ الموت لاییک» تعلیلیه است و ما بعد آن علت برای ما قبل است یعنی چون مرگ تورا ملاقات می‌کند و تو هم طعم مرگ را می‌چشی پس از ترقی و بالا رفتن، پایین بیا و به عبارتی به ترقی خودت مغرور نشو برای این که مرگ هر بالا رونده‌ای را به پایین می‌کشد. حرف ربط «واو» در عبارت «و سار فی ترائیک» متضمن اشتراک در اعراب است و (سار) را به (لاییک) عطف می‌کند و تکرار حرف ربط «واو» در عبارت «و ما ینکل ان هم» نشان‌دهنده عطف جمله به جمله است تا وظیفه انسجام جمله‌های متن را به عهده بگیرد و در راستای موضوع داستان و فرا رسیدن مرگ باشد. و سجع موجود در (تراییک) که سجع مشکل نامیده می‌شود، عبارت است از: «اتفاق در وزن و اختلاف در معنی و علت نام‌گذاری آن بدین جهت است که تشخیص آن چه بسا مشکل باشد» (شبل محمد، ۲۰۰۹ م: ۱۲۹)؛ بنابراین شباهت لفظی در تراقی اول که به معنی بالا رفتن و تراقی دوم (جمع ترقوة) استخوان گردن، از یک سو باعث موسیقی کلام و از سوی دیگر سبب تداعی معانی مختلف از یک لفظ شده است که این، از عوامل زیبایی و هنر در مقامه می‌باشد.

## ۵. ۲. ۲. رابطه سببی یا نتیجه

گاه جمله دوم نتیجه جمله اول است در عبارت «وَلَا تَرْكَنُ إِلَى الدَّهْرِ، وَإِنْ لَانَ وَإِنْ سَرَّ، فُتْلَفِي كَمَنْ إِخْتَرَّ، بِأَفْعَى تَنْفُثُ السَّمِّ»<sup>۱۲</sup> (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۸) نویسنده با استفاده از حرف ربط و ادات شرط و فاء سببیه و ادات تشبیه، چهره زشت دنیا را ترسیم می‌کند. «و ان لان و ان سر» جمله با «واو» وصلیه و «ان» شرطیه که جواب آن به قرینه قبل حذف شده به جمله قبل عطف می‌شود و دوباره «واو» جمله «ان سر» را به خاطر اشتراک معنی به «ان لان» عطف کرده و سپس ربط «فاء» سببیه آمده تا بیانگر نتیجه‌ای باشد که بر آن کار مترتب است؛ یعنی میل به دنیا با همه سازگاری‌اش پیامدش این است، مانند کسی می‌شود که فریب ماری زهرآلود را خورده باشد.

عبارت «أما نادى بك الموت، أما أسمعك الصوت، أما تخشى من الفوت، فتحتاط وتهتم»<sup>۱۳</sup> (همان، ۱۰۶) نیز برای اثبات این موضوع که راه فراری از مرگ نیست. چندین جمله پی‌درپی آمده و آوردن (فاء) سببیه که ما قبل آن علتی برای ما بعد است دلالتی بر، داشتن توشه آخرت می‌کند. نویسنده برای تثبیت این معانی در ذهن شنونده از استفهام انکاری و ضمیر مخاطب بهره جسته و بین اجزاء، ارتباط معنایی برقرار کرده است به طوری که هر عبارت تقویت کننده عبارت بعدی می‌باشد.

#### ۵. ۲. ۳. رابطه هدف و انگیزه

انگیزه، محرک اصلی انجام کار است. (آنست من قلبی القساوة، حين حلت ساوة، فأخذت بالخبر المأثور، فى مداوتها بزيارة القبور)<sup>۱۴</sup> (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۳) اخبار روایت شده، اشاره به این سخن دارد (إن القلوب تصدأ كما يصدأ الحديد قيل: و ماجلاؤها. قال: تلاوة القرآن و زيارة القبور) هدف از زیارت قبر، درمان قساوت قلب بیان شده است.

#### ۵. ۲. ۴. رابطه شرطی

وجود فعل شرط و جواب شرط‌های متوالی، زنجیره کلامی را تشکیل می‌دهد که نشانگر ارتباط معنایی و پیوستگی و یکپارچگی متن است مانند: «إذا أسخطت مولاك فما تفلق من ذاك وإن أخفق مسعاك تلظيت من الهم - وإن لاح لك النقص من الافر تهتش، وإن مر بك النعش تغامت ولا غم»<sup>۱۵</sup> (همان، ۱۰۷).

«إذا» بین دو جمله (إسخطت مولاك) و (فما تفلق من ذاك) ارتباط و پیوستگی معنایی به وجود آورده که نبود هر کدام از آنان خللی در معنا ایجاد می‌کند. به عبارتی؛ عنصری، پیش فرض عنصری دیگر است که بدون مراجعه به آن فهمیده نمی‌شود. از طرفی (إذا) استمرار و قطعیت عمل را بیان می‌کند که مستمراً برای امور دنیایی نگران است و امور آخرت را به فراموشی می‌سپارد. همچنین تکرار (إن) و فعل شرط ماضی و جواب شرط‌های پیاپی مهر تأییدی برای این قطعیت است.

بدین ترتیب، مقامه و عظیمه ساویه بر پایه سبب پی‌ریزی شده است و نویسنده در بیشتر عبارات علت کار را بیان کرده تا ابهامی برای خواننده باقی نگذارد و چون تمام متن پیرامون

مرگ و سکرآت آن و شماتت بازماندگان از عبرت نگرفتن به خاکسپاری مردگان دور می‌زند متنی استنتاجی و فلسفی است بنابراین با ایدئولوژیک و اعتقاد دینی انسان‌ها ارتباط دارد. از نظر میرفخرایی «هرگاه یک عمل از طریق "دلیل و نتیجه" به عمل دیگر ربط داده شود، انسجام‌بخشی متنی می‌تواند دارای ابعاد ایدئولوژیک و بارارزشی داشته باشد.» (میرفخرایی، ۱۳۳۵ ش: ۵۱) درمقامه ساویه نویسنده از همان آغاز هدف اصلی از نگارش متن را بیان می‌کند و علت رفتن به قبرستان را بسیار زیبا با استناد به اخبار مأثور (زیارت قبر باعث جلای قلب می‌شود) به تصویر می‌کشد و بیان می‌کند که چون قلبش دچار قساوت شده برای زدودن آن به گورستان رفته است.

جدول ۲. ادات پیوند سببی و شرطی در مقامه ساویه

فإنّ	ل ناصبه	ف سببیه و تعلیلیه	ف شرط	إن	إذا	لو
۱	۱	۳	۳	۶	۶	۱

با توجه به این‌که در اغلب جملات، معنای شرطی (إذا) مورد نظر بوده است بنابراین (إذا) جزء پیوندهای شرطی در نظر گرفته شده است هرچند معنای ظرفیت نیز از آن استنباط می‌شود.

### ۵. ۳. ارتباط تقابلی یا خلاف انتظار

در این نوع ارتباط، رابطه جمله‌های قبل و بعد، رابطه‌ای برخلاف انتظار و توقع مخاطب است. به وسیله این نوع ارتباط، مطالب برای مخاطب برجسته‌تر می‌گردد و سبب جلب توجه بیشتر خواننده به متن می‌شود، در زبان عربی ادات استدراک (لکن و نظائر آن) و (بیدان، غیران، أما) و تعبیراتی مانند (خلاف ذلک، علی العکس، فی المقابل و...) این وظیفه را به عهده دارند. «وَضَحِكُمْ عِنْدَ الدَّفْنِ، وَلَا ضَحِكْكُمْ سَاعَةَ الزَّفْنِ وَتَبَخَّرْتُمْ خَلْفَ الْجَنَائِزِ وَلَا تَبَخَّرْتُمْ يَوْمَ قَبْضِ الْجَوَائِزِ»<sup>۱۶</sup> (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۵) در این عبارت‌ها حرف ربط (لا) عامل انسجام و پیوند است که حکم را به اختصار برمی‌گرداند و شنونده را به معنای درست راهنمایی می‌کند. در این عبارت حال شاهدانی که مرده‌ای را دفن می‌کنند و خیلی راحت مرگ دوستان و آشنایان را

فراموش می کنند به خوبی به تصویر کشیده می شود که خنده آنان هنگام دفن کردن مرده با خنده آنان هنگام پای کوبی برای رقصیدن تفاوت دارد همچنان که خرامان و با تکبر راه رفتن آنان هنگام تشییع جنازه با زمانی که جایزه را دریافت می کنند فرق دارد. لزوم ما لایلزم در (الدفن/الزفن و الجنائز/الجوائز) از الوان بدیع است که نویسنده یا شاعر خود را ملزم به آوردن حرف یا حروفی هماهنگ قبل از حرف قافیه یا سجع می کند این پدیده ادبی نیز کارکردی در زیبا آفرینی متن دارد.

حریری در جای دیگر می گوید: «كَأَنَّكُمْ قَدْ عَلِقْتُمْ مِنَ الْحِمَامِ، بِذِمَامٍ، أَوْ حَصَلْتُمْ مِنَ الزَّمَانِ، عَلَى أَمَانٍ، أَوْ وَثِقْتُمْ بِسَلَامَةِ الذَّاتِ، أَوْ تَحَقَّقْتُمْ مُسَالَمَةَ هَادِمِ اللَّذَاتِ، كَلَّا سَاءَ مَا تَتَوَهَّمُونَ، ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ.»<sup>۱۷</sup> (حریری، ۱۸۷۳ م: ۱۰۵) حریری ازادات تشبیه «كأن» و حرف ربط «أو» برای توضیح بیشتر محقق شدن مرگ بهره جسته و تصورات غلط انسان ها را از مرگ با «كَلَّا» فرو ریخته است و رابطه منطقی بین مطالب به وجود آورده که یکی از اصلی ترین مفاهیم در ایجاد انسجام است.

جدول ۳. ادات پیوند تقابلی در مقامه ساویه

كَلَّا	لَا
۲	۲

همانطور که مشاهده می شود عوامل پیوند تقابلی در مقایسه با عوامل دیگر پیوندی از بسامد بسیار کمی برخوردار هستند.

#### ۵. ۴. ارتباط زمانی

این رابطه هنگامی بین دو جمله برقرار می گردد که توالی زمانی میان رویدادهای آن دو جمله وجود داشته باشد و نمادهای آن در عربی عبارتند از: (ف، ثم، و بعد، قبل، منذ، کَلَّمَا...) و متن روایی چون بیشتر ویژگی نوعی گزارش یا حکایت دارد که به زمان مربوط می شود بنابراین کاربرد زمان در متون داستانی از اهمیت بالایی برخوردار است اگرچه بعضی مانند فاخوری منکر ساختار داستانی در مقامه هستند. (فاخوری، ۱۹۸۶ م: ۶۲۱) ولی تعامل زنجیره

زمانی به وضوح در مقامه ساویه قابل رؤیت است، حکایت با زمان گذشته شروع می‌شود (حدّث الحارث بن همام قال...) تا به قهرمان داستان می‌رسد و بقیه مطالب را از زبان او روایت می‌کند. ابو زید نیز در خطاب به تشییع کنندگان جملات انشایی چون ندا و استفهام و امر را به کار می‌برد و هر جا که گریزی به حال تشییع کنندگان می‌زند از افعال گذشته استفاده می‌کند. مهم‌ترین کارکردهای ادات زمانی را می‌توان در چهار نوع ترتیبی، هم‌زمانی، ارجاعی و انجامی تحلیل نمود:

#### ۵. ۴. ۱. ترتیبی

در این نوع، رویدادهای به وقوع پیوسته به ترتیب بیان شده و پیوستگی متن را به خواننده القا می‌کند. «فلما صرتُ إلى محلّة اللاموات، وكفّات الرّفات، رأيتُ جمعاً على قبرٍ يُحفر، ومجنوز يُقبر، فانحزتُ اليهم متفكراً في المال، متذكراً من درج من الال، فلما الحدوا الميت، وفات قولُ ليت، أشرفَ شيخٌ من رباؤة...»<sup>۱۸</sup> (حریری، ۱۸۷۳: ۱۰۴-۱۰۳). داستان با نصیحت‌های این شیخ ادامه می‌یابد که مرده را بعد از تشییع در قبر می‌گذارد و لی افکار تان در میراث به جا مانده از اوست و به جای ذکر محامد، آماده غذای ولیمه می‌شوید چرا نمی‌اندیشید که مرگ به سراغ شما هم خواهد آمد و چرا برای توبه و جمع توشه آخرت که هیچ خویشاوندی در آنجا سودمند نیست آماده نمی‌شوید؟ چرا اشک نمی‌ریزید که بزودی به جای اشک، خون گریه خواهید کرد.

#### ۵. ۴. ۲. هم‌زمانی

وقایعی که هم‌زمان اتفاق می‌افتند «کأني بك تنحطُّ، الى اللحد وتنفطُّ، وقد أسلمك الرّهط، الى أضيّق من سمّ»<sup>۱۹</sup> (همان، ۱۰۸). وقوع هم‌زمان این دو حادثه که با ادات پیوندی (وقد) معنا می‌یابد پذیرش مفهوم مرگ را برای خواننده روشن می‌نماید که «لامجال للفرار».

#### ۵. ۴. ۳. ارجاعی

محتوای جمله اشاره به حادثه‌ای دارد که قبل از آن رخ داده است. «ومن بعدُ فلا بدّ، من العرض إذا اعتدّ، صراطُ جسره مدّ، على النار لمن أمّ»<sup>۲۰</sup> (همان)، (من بعد) اشاره به رخدادی مانند مردن و پوسیدگی تابوت و استخوان دارد که قبل از گذشتن از پل صراط اتفاق می‌افتد.

## ۵. ۴. ۴. ۵. انجामी

نگاهی به سرانجام حوادث «هناک الجسمُ ممدود، لیستأکله الدود، إلی أن ینخرَ العود، ویمسی العظمُ قدرم،

ومن بعدُ فلابد، من العرض إذا اعتد، صراطُ جسرُهُ مد، علی النارِ لمن أم» (حریری، ۱۸۷۳: ۱۰۸). سرانجام آن، پوسیدگی تابوت و استخوان و آماده شدن برای گذشتن از پل صراط است در نمونه های ارائه شده تسلسل حوادث و ارتباط زمانی به وضوح دیده می شود؛ به طوری که خواننده می تواند متن را به صورت ساختاری معنادار و منسجم در ذهن خود تحلیل کند.

جدول ۴. ادات پیوند زمانی در مقامه ساویه

واو حالیه	ف	ثمّ	إذا	لما	حتّام	حين	إلی أن	من بعد
۲	۱۸	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱

قابل ذکر است که بعضی از حروف ربط مانند «فاء» دارای کارکرد وسیع تری هستند و در حوزه های مختلف چون اضافی، سببی و شرطی ایفای نقش نمودند. همچنین حرف ربط (إذا) معنی شرطی آن در نظر گرفته شده است هرچند بر معنای ظرفیت دلالت دارد ولی در این عبارت (فإذا هو شیخنا أبوزید بعینه و مینه) که فجائیه است فقط معنی ظرفی آن مد نظر است.

جدول ۵. مجموع ادات پیوندی در مقامه ساویه

اضافی یا افزایشی	زمانی	سببی و شرطی	تقابلی و استدرافی
۱۱۳	۳۲	۲۱	۴
%۶۴/۴۷	%۱۸/۸۲	%۱۲/۳۵	%۲/۳۵

البته باید در نظر داشت رابطه های انسجامی علاوه بر تسهیل فرایند درک متن، نقش عمده ای در شناسایی ساختار متن ادبی، داستانی و فلسفی و ... دارند ولی صرف وجود علائم ظاهری سبب انسجام متن نمی شود بلکه همبستگی یا ارتباط مطالب است که انسجام دهنده متن است. همانطور که بسامد ادات پیوندی در جدول نشان می دهد ادات افزایشی با بالاترین بسامد و

ادات تقابلی با کمترین بسامد در مقامه ساویه به کار رفته است و علت آن در توصیفی بودن متن است. ادات سببی گرچه از نظر بسامد کمتر از ادات زمانی است ولی اهمیت مهمی در انسجام مقامه و تحلیل معنایی متن دارد.

## ۶. نتیجه

در این پژوهش و مقایسه متنی به نتایجی دست یافتیم که عبارت است از:

۱- بررسی انسجام پیوندی در مقامه ساویه که متنی اندرزگونه است، به عنوان یکی از عناصر انسجام متنی نقشی به مراتب مهم تر از عناصر واژگانی و دستوری دارد چون این ارتباط بر پایه منطق استوار است؛ یعنی باید خواننده رابطه منطقی مابین مطالب را تحلیل نماید تا پیوستگی معنایی و ارتباط بین جملات را دریافت کند.

۲- وحدت مکان و موضوع در مقامه مشهود است. داستان از قبرستان ساوه و خاکسپاری مرده‌ای شروع می‌شود، محور اصلی متن در یک حوزه معنایی یعنی مرگ و عبرت نگرفتن انسان‌ها از آن دور می‌زند و تقارن بین وحدت مکان و موضوع، حاکی از انسجام کلی در مقامه ساویه می‌باشد.

۳- ارتباط و اتصال معنی بین اول و آخر داستان مشهود است به طوری که آغاز داستان با (مرگ و جدایی) شروع می‌شود و پایان داستان نیز به (جدایی) راوی و قهرمان قصه می‌انجامد، راوی به طرف راست و به سمت باد جنوب می‌رود و قهرمان داستان ابو زیدسروجی به سمت چپ و محل وزیدن باد شمال رهسپار می‌شود.

۴- گرچه عبارت‌ها کوتاه و موجز هستند ولی با یکدیگر پیوندی مستحکم و روابطی منظم دارند. ارتباط پیوندی به‌ویژه اضافی و سببی در سراسر داستان مشهود است و رابطه زمانی با بسامد ۱۸/۸۲٪ بعد از رابطه اضافی با بسامد ۶۴/۴۷٪ مانند زنجیره‌ای، رویدادهای داستان را به هم متصل می‌کند، به طوری که خواننده را در کشف و شناخت متن یاری می‌رساند.

۵- حریری در مقامات، نابسامانی و مشکلات اقتصادی عصر خود را به تصویر کشیده است و این مسئله کاملاً با نظره‌الیدی که نظریه جامعه‌شناسی زبان را مطرح کرد، منطبق است

و با تحلیل متن می توان از دیدگاه نویسنده و بازتاب مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و حتی از ارزش های حاکم بر نحوه نگارش مطلع شد.

۶- از آنجاکه مقامه متنی ادبی و نثری فنی است، ادات پیوندی علاوه بر ایجاد پیوستگی متن باعث توازن نحوی و وحدت آوایی جمله ها شده و موسیقی خاصی به آن بخشیده که این امر علاوه بر زیبایی صوری موجب افزایش قدرت معنایی متن شده است و این راز ماندگاری مقامات و توجه علماء به آن در قرن های متمادی می باشد.

#### یادداشت ها

1. reference
2. substitution
3. ellipsis
4. lexical
5. conjunctive
6. additive
7. causal
8. adversative
9. temporal

۱۰. یکی از شما جنازه مرده را تشییع می کند. ولی قلبش سوی خانه است و برای پنهان کردن خویشاوند خود حاضر می شود در حالی که فکرش در انتخاب اموال اوست و در این وضعیت دوست خود را در گور و میان کرم ها رها می کند.

۱۱. چه شده شما را که دفن همسالان شما را غمگین نمی کند و ریختن خاک در قبر شما را نمی ترساند و به فرود آمدن حوادث روزگار اهمیتی نمی دهید و برای ورود در قبر آماده نمی شوید و برای چشمی که گریه می کند اشک نمی ریزید و از خبر مرگی که می شنوید عبرت نمی گیرید و برای الفتی که گم شده نمی ترسید و از نوحه ای که بسته می شود نگران نیستید.

۱۲. به روزگار میل نکن اگر چه نرمی کند و شاد کند که در این صورت مانند کسی خواهی بود که فریب ماری زهرآلود را خورده باشد.

۱۳. آیا مرگ تورا ندا نداد آیا صدای مرگ تورا شنوا نکرد آیا از مرگ نمی ترسی، تا احتیاط کنی و اهتمام ورزی.

۱۴. در قلبم قساوتی احساس کردم، وقتی وارد شهر ساوه شدم، خبر روایت شده را گرفتم، که زیارت قبرها درمان آن است.

۱۵. وقتی خدایت را خشمگین می‌کنی به خاطر آن نگران نیستی، به عبارتی از عذابش نمی‌ترسی ولی اگر تلاشت به ثمر نشیند و بی‌فایده شود از غصه برافروخته می‌شوی، اگر برایت نقشی از زر و طلا آشکار شود شادمانی و سبکی می‌نمایی و اگر جنازه‌ای از کنارت بگذرد خود را غمگین نشان می‌دهی ولی براستی غمگین نیستی.
۱۶. هنگام دفن می‌خندیدید ولی نه مانند خندیدنان هنگام پای‌کوبیدن و با تکبر پشت جنازه می‌رفتید نه مانند خرامان رفتن شما برای گرفتن جایزه.
۱۷. گویا شما از مرگ به عهد در دنیا تمسک جستید و یا از روزگار به امنیتی رسیده‌اید و یا به سلامت خود اطمینان دارید و یا سازش مرگ را محقق می‌دانید. هرگز، چه بد است آنچه که می‌پندارید وحقا به‌زودی خواهید دانست.
۱۸. وقتی به محله مردگان رفتم گروهی را برگوری که می‌کنند و جنازه‌ای را در آن دفن می‌کردند، دیدم پس با آنان به سرانجام زندگی و جدایی از خانواده و دوستان اندیشیدم وقتی مرده را دفن کردند و حسرتها سپری شد پیری از بالای تپه ظاهر شد...
۱۹. در حالی که گروه و خانواده، تورا درجایی تنگ‌تر از سوراخ سوزن رها می‌کنند، توهم در پایین رفتن به سوی قبر می‌شتابی.
۲۰. و بعد از آن چاره‌ای به جز ایستادن برای حساب نیست، وقتی راهی که مانند پل روی آتش کشیده شده، برای کسی آماده شود که مرگ قصد آن را کرده است.

#### کتابنامه

#### منابع فارسی

۱. آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۴ ش). *تحلیل گفتمان انتقادی*. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. البرزی، پرویز. (۱۳۹۲ ش). *مبانی زیباشناسی متن*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳. حریری، قاسم بن علی. (۱۳۶۵ ش). *مقامات حریری*. ترجمه علی رواقی. چاپ اول. چاپ افست گلشن.
۴. سارلی، قلی ناصر؛ ایشانی، طاهره. (۱۳۹۰). «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی». (قصه نردبان) *دوفصلنامه علمی-پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء*. بهار و تابستان. سال دوم شماره ۴ (از ۵۱ تا ۷۷).

۵. الفاخوری، حنا. (۱۳۸۱ ش). *تاریخ ادبیات زبان عربی*. ترجمه عبدالمحمدآیتی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات طوس.
۶. فخرایی، تژا. (۱۳۳۵ ش). *فرایند تحلیل گفتمان*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. سازمان چاپ و انتشارات.
۷. نجفی پازکی، معصومه. (بی تا). «تقویت مهارت درک متن، آموزش نشانه‌های زبان‌شناختی انسجام
۸. متن» اولین همایش میان رشته‌ای آموزش و یادگیری زبان. دانشگاه تهران. (از ۳۰۱ تا ۳۰۸).

## منابع عربی

۱. ابن خلکان، ابوبکر. (۱۹۷۸ م. ۱۳۹۸ ه). *وفیات الأعیان و انباء ابناء الزمان*. حقیقه: الدكتور احسان عباس. المجلد الرابع. بیروت: دارصادر
۲. حریری، قاسم بن علی. (۱۸۷۳ م). *مقامات الحریری*. بیروت: مطبعة المعارف.
۳. الحموی الرومی، یاقوت. (۱۹۹۳ م). *معجم الادباء ارشاد الاریب الی معرفة الادیب*. تحقیق الدكتور احسان
۴. عباس الجزء الخامس. الطبعة الاولى. بیروت، لبنان: دارالغرب الاسلامی.
۵. الزناد، الأزهر. (۱۹۹۳ م) *نسیج النص*. (بحث فی ما به یكون المملفوظ نصاً). الطبعة الأولى. بیروت: المركز الثقافی العربی.
۶. شبل محمد، عزة. (۲۰۰۹ م-۱۴۳۰ ق). *علم لغة النص، النظرية و التطبيق*. تقدیم سلیمان العطار. الطبعة الثانية. القاهرة: مكتبة الآداب.
۷. الشریشی، ابو العباس. (۱۴۱۳ ق، ۱۹۹۲ م). *شرح مقامات الحریری*. تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم. بیروت: المكتبة العصرية.
۸. ضیف، شوقی. (۱۹۶۰ م). *الفن و مذاهبه فی النثر العربی*. الطبعة التاسعة. لبنان: دارالمعارف.
۹. الفاخوری، حنا. (۱۹۸۶ م). *الجامع فی تاریخ الأدب العربی، الادب القادیم*. الطبعة الأولى. بیروت: دارالجيل.
۱۰. فروخ، عمر. (۱۴۰۱ ق). *تاریخ الادب العربی الاصر العباسیة*. الطبعة الرابعة. بیروت، لبنان: دارالعلم للملایین.
۱۱. مبارک، زکی. (۱۹۹۰ م). *النثر الفنی فی القرن الرابع*. الجزء الاول. الطبعة الثانية. المكتبة التجارية الكبرى.

١٢. مكتبة المجمع، علم اللغة النصى بين النظرية والتطبيق، الخطاب النبوى نموذجاً. (٢٠٠٦ م). علوم اللغة. المجلد التاسع.
١٣. العدد الثانى. مكتبة المجمع، كتب و بحوث علمية.

منع انگلیسى

1. Halliday & Hasan. *cohesion in English*. london. longman. 1976